

اربعین؛ روز تجدید پیمان با شهیدان کربلا

شیفتگان سید و سالار شهیدان وظیفه دارند تا با نهضت عاشورا و چرایی آن بیشتر آشنا شوند، درس بیاموزند و تنها به عزاداری بسنده نکنند، قیام کربلا را می‌بایست با نگاه درس آموزی نگریست، چراکه امام حسین(ع) چراغ هدایت و کشتی نجات بشریت است.



مهسا شریفی: شیفتگان سید و سالار شهیدان وظیفه دارند تا با نهضت عاشورا و چرایی آن بیشتر آشنا شوند، درس بیاموزند و تنها به عزاداری بسنده نکنند، قیام کربلا را می‌بایست با نگاه درس آموزی نگریست، چراکه امام حسین(ع) چراغ هدایت و کشتی نجات بشریت است.

اربعین شهادت سید و سالار شهیدان، امام حسین(ع) یادآور شجاعت، ایثار و جانفشانی برترین بندگان خدا است؛ آنانی که برای حفظ و اعتلای دین اسلام به میدان پیکار با یزیدیان شتافتند و با خون سرخ خویش راه و مسیر سعادت و آزادگی را پیش چشم همگان روشن ساختند.

نهضت امام حسین(ع) تنها یک واقعه و حماسه نیست، بلکه یک فرهنگ است، فرهنگی انسان ساز که چون مشعلی هدایت گر، مسلمانان را برای حفظ عزت و آزادگی خود به ایستادگی در برابر ظلم فرامی خواند.

همان گونه که رشادت های امام حسین(ع) برای همه آزادگان عالم سرمشق است؛ رسالت پیام رسانی حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) نیز حماسه ای بزرگ را در تاریخ رقم زد.

چهل روز اسارت بر حضرت زینب(س) و خاندان امام حسین(ع) به مراتب سخت تر از روز عاشورا گذشت؛ چرا که تحمل داغ عزیزانشان در کربلا با غم و رنج اسارت درهم آمیخته بود، اما حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) به عنوان پیام آوران واقعه عاشورا وظیفه و رسالت خود را به خوبی انجام دادند و با افشاگری و برداشتن نقاب از چهره ی دشمن زبون، بر توطئه های یزیدیان، خط بطلان کشیدند.

حضرت زینب(س) پس از ورود به کوفه و شام با سخنانش چنان یزید و امویان را رسوا کرد و چهره ی پلید آنها را به همگان نشان داد و توان پاسخ گویی را از آنان سلب کرد. بدون شک همین روشنگری های امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) رسوایی بنی امیه و سقوط آنان را فراهم آورد.

پژوهشگر گروه اطلاع رسانی ایرنا به مناسبت سالروز چهلم شهادت امام حسین(ع) با حجت الاسلام و المسلمین اصغر عسکری کارشناس امور دینی به گفت و گو پرداخته است.

حجت الاسلام و المسلمین اصغر عسکری درباره روایت هایی که از نخستین اربعین امام حسین(ع) وجود دارد، گفت: آنچه که مورخان بیشتر بر آن اتفاق نظر دارند این است که چهل روز پس از واقعه ی عاشورا، حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) به کربلا آمدند و وقتی به دستور یزید، به مدینه بازگردانده می شدند، به یک دو راهی رسیدند که یک راهش به عراق و یک راهش به مدینه می رفت، حضرت زینب(س) از ساریان پرسید که این راه ها به کجا منتهی می شود؟ ساریان پاسخ داد که یکی از این راه ها به کربلا و سپس به عراق و راه دیگر به مدینه می رسد. حضرت زینب(س) درخواست کرد که اگر امکان دارد از مسیر کربلا برویم و آنها موافقت کردند و در روز اربعین به کربلا رسیدند.

در روایت دیگر، اشاره شده که جابر بن عبدالله انصاری از انصار و صحابه ی پیامبر که پیر و نابینا بود، به همراه عطیه بن سعد بن جناده العوفی با قصد زیارت امام حسین(ع) راهی کربلا شد و روز اربعین به کربلا رسید. آنها در فرات غسل کردند و برای زیارت آماده شدند و جابر بن عبدالله انصاری به عطیه بن سعد گفت که دست من را روی قبر امام حسین(ع) بگذار و او دستش را روی قبر امام حسین گذاشت و سه بار سلام کرد و از هوش رفت.

این کارشناس امور دینی با اشاره به رنج و مصیبتی که خاندان رسول اکرم(ص) در دوران اسارت متحمل شدند، تاکید کرد: آنچه که در این سفر بسیار مهم و پندآموز به نظر می رسد، مساله ی نترسیدن از دشمن است. حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) با وجود خشونت ها و بی رحمی هایی که در کربلا دیده بودند، هرگز از دشمن بیمی به دل راه ندادند و آنچه که وظیفه شان بود انجام دادند.

حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) در کوفه، شام و در اجتماعات مهم که در این شهرها و در میان راه با آن رو به رو می شدند،

رسالت پیام رسانی را محکم، قوی و حکیمانه به انجام رساندند.

حضرت زینب(س) در بیشتر اوقات که شرایط بسیار عاطفی و احساسی بود، بر احساسات و عواطف خود غلبه می کرد و با منطق و استدلال، بسیار سنجیده و عالمانه سخن می گفت تا به اهدافی که مد نظر بود، دست یابد.

این پژوهشگر مسایل دینی رمز ماندگاری نهضت عاشورا را رسواگری، بیدارگری و شکستن طلسم ترس به وسیله ی حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) دانست و افزود: این بزرگواران برای آنکه نهضت عاشورا ماندگار شود، سه کار انجام دادند، که اگر این رسالت مهم صورت نمی گرفت، نهضت عاشورا در همان کربلا و روز دهم سال 61 هجری قمری برای همیشه دفن می شد. یکی از کارهای بسیار مهم، مساله رسواگری علیه هیات حاکمه و دودمان بنی امیه بود و شاید بزرگترین محاکمه ی علنی سران حکومت به وسیله ی حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) در مجالسی که یزید و عبیدالله بن زیاد در کوفه و شام ترتیب داده بودند، صورت پذیرفت و به رسواگری آنان منجر شد.

حجت الاسلام و المسلمین اصغر عسکری، بیدارگری را رسالت دیگر پیام آوران عاشورا ارزیابی کرد و گفت: در یک تقسیم بندی می توان گفت که مردم آن زمان 2 دسته بودند، افراد وابسته به هیات حاکمه که باید رسوا می شدند و دسته ی دوم کسانی که با تبلیغات سوء بنی امیه گمراه شده بودند و این گمراهان را باید بیدار می کردند که نهضت بیدارگری برای هدایت این افراد بود. پس حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) در جریان اسارت، هم نهضت بیدارگری را نسبت به عموم مردم انجام دادند و هم نهضت رسواگری را در مورد هیات حاکمه و دودمان بنی امیه به کار بردند.

این کارشناس امور دینی شکستن طلسم ترس در آن روزگار مهم دانست و افزود: مردم می ترسیدند و جرات نمی کردند که به اسیران حادثه ی عاشورا نزدیک شوند. اما حضرت زینب(س) با شکستن طلسم ترس به خصوص در کوفه و در دوازدهم محرم، سبب شد تا مردم این جرات را پیدا کنند و به دور آنها حلقه بزنند و درباره ی قیام و نهضت عاشورا بپرسند و این گونه مردم از خفقان دوره ی بنی امیه نجات یافتند.

حجت الاسلام و المسلمین اصغر عسکری با اشاره به سخنرانی تاثیرگذار حضرت زینب در کوفه، ادامه داد: برای آنکه یک سخنران و خطیب بتواند سخنرانی خوبی انجام دهد می بایست چند شرط آماده باشد. نخست اینکه خسته، گرسنه و تشنه نباشد. حضرت زینب(س) هم خسته، گرسنه و تشنه بود، چون ایشان از شب عاشورا، سه شبانه روز استراحت نکرده بود.

خطیب نباید در فضای ترس و وحشت باشد. اما حضرت زینب(س) دید که یزیدیان در کربلا چه سفاکی و بی رحمی هایی نسبت به خاندان پیامبر کردند و هم اکنون نیز شهر کوفه در محاصره ی 10 هزار نیرو مسلح و به عبارتی حکومت نظامی مطلق در آنجا برقرار بود.

نکته بعد این که فضای سخنرانی باید آرام باشد و جایی که هیاهو است انسان نمی تواند سخنرانی کند. اما پیام رسان کربلا در یک فضای باز و پر از هیاهو که مردم غرق در شادی، پایکوبی و هلهله بودند سخنرانی می کرد.

حاضران و شنوندگان می بایست با دید احترام به سخنران نگاه کنند، حال آنکه این شرط نیز برای حضرت زینب(س) مهیا نبود و مردم به عنوان افرادی اسیر و شکست خورده به آنها می نگریستند.

همچنین در برابر سخنران و خطیب نباید صحنه های ملال آور باشد، در حالی که در محضر حضرت زینب(س) سرهای بریده ی شهدا بود، بنابراین هیچ یک از شرایط سخنرانی برای ایشان آماده نبود.

اما دختر نخستین امام شیعیان وظیفه دارد و باید وظیفه ی خطیر خویش را به انجام برساند و خفتگان را بیدار و هیات حاکمه را رسوا کند، پس ناگهان صدایی شبیه صدای امیرالمومنین طنین انداز شد که فرمان سکوت داد. در تاریخ داریم که ایشان به مردم اشاره کرد که ساکت باشید و مورخان شیعه و سنی نوشته اند که با فرمان سکوت حضرت زینب(س)، کوفه آرام شد و نفس ها به سینه ها بازگشت، قافله ی اسیران از حرکت باز ایستاد و حضرت زینب(س) در اندک زمانی که مردم را ساکت کرد و فضای حاکم بر شهر را تغییر داد، توانست بسیار حکیمانه، مستدل و سیاستمدارانه سخنرانی خود را آغاز و بعد از حمد و ثنای الهی، نسبت خودش را با پیامبر(ص) عنوان کند.

حضرت زینب(س) نفرمود من دختر علی بن ابی طالب هستم و دختر فاطمه ی زهرا هستم، چون که با وجود تبلیغات مطرح شده درباره ی علی بن ابی طالب، مردم نسبت به ایشان بدبین بودند و به همین دلیل حضرت زینب(س) فرمود سلام بر پدرم رسول خدا. مردم کوفه پیامبر را قبول داشتند و حضرت زینب(س) خیلی سیاستمدارانه، حکیمانه، سنجیده، مدبرانه، نسبت خود

را با پیامبر مطرح کرد و مردم بدین ترتیب، توجه شان جلب شد.

ایشان به مردم کوفه گفت: گریه می کنید؟ شما می دانید که چه جگری را از پیامبر پاره کردید و آیا می دانید که چه حرمتی را هتک کردید؟ و چه زن و بچه هایی را به اسارت می برید؟

این جمله میزان تاثیرگذاری سخنان حضرت زینب(س) بر مردم کوفه را به خوبی نشان می دهد. همان کسانی که چند لحظه پیش از آن می خندیدند و شادی می کردند و هورا می کشیدند، پس از سخن حضرت زینب(س) گریه می کردند.

ایشان با استفاده ی هنرمندانه از آمیزه ی عالمانه ی حکمت و عاطفه، کوفه را متشنج کرد و مورخان بزرگ در شرح این روز آورده اند که در پایان این سخنرانی مردم کوفه را بهت زده دیدیم که گریه می کنند و دستان خود را می گزند و بر انجام عملی که انجام داده اند حسرت و تاسف می خورند.

حضرت زینب(س) در مدت کوتاهی کوفه را متحول ساخت، هیات حاکمه را رسوا و مردم خواب و غفلت زده را بیدار کرد.

این پژوهشگر مسایل دینی راز ماندگاری و جاودانگی قیام امام حسین(ع) را برخی عوامل درونی و بیرونی ارزیابی کرد و افزود: از مهمترین عوامل تاثیرگذاری درونی در نهضت امام حسین(ع) حق طلبی و هماهنگ بودن این نهضت با حق است، چون فطرت انسان ها حق را می پذیرد و این قیام حق طلبانه، ظلم ستیزانه، ذلت ستیزانه بود و بحث آزادگی و آزادمنشی در آن وجود داشت.

استوار بودن بر اصول و ارزش های اخلاقی در قیام عاشورا، دومین عامل ماندگاری این نهضت به شمار می رود. نهضت امام حسین(ع) فقط جنگ نبود، بلکه تنها یک صفحه از فرهنگ عاشورا و یک واژه از واژه های کتاب بزرگ عاشورا، جنگ است. هرچند در نهضت عاشورا مظلومیت و تشنگی وجود داشت اما فضیلت هایی چون وفاداری، صداقت، جوانمردی، تکریم انسان، عفو و گذشت، صبر و استقامت هم در آن موج می زد. پس این نهضت بر اصول و معیارهای اخلاقی استوار شده است و چون این مسایل جاودانه و تاثیرگذارند، نهضت امام حسین(ع) هم ماندگار شد، اصولی که به تعبیر بوعلی سینا مورد تطابق آرای عقلا است.

گاهی تنها، شماری از افراد مساله ای را ارزش می پندارند، در صورتی که برخی از اصول مانند صداقت، جوانمردی، تکریم انسان، عفو و گذشت برای تمام انسان ها و عقلای عالم، فضیلتی اخلاقی به شمار می رود. نهضت امام حسین(ع) بر اصول اخلاقی که مورد تطابق آرا همگان است، استوار بود.

کارشناس امور دینی مهمترین عامل خارجی در ماندگاری و اثرگذاری نهضت امام حسین(ع) را تدبیر و مدیریت برپایه ی عقلانیت ارزیابی کرد و گفت: امام حسین(ع) بسیار عقلانی، با تدبیر و با برنامه ریزی حرکت کرد، ایشان می دانست در کربلا به شهادت می رسد، اما نباید خون او و یارانشان به هدر برود و باید از این جانفشانی به نفع دین بهره برداری هم بکند تا این نهضت به خوبی به ثمر برسد، اقدام های امام حسین(ع) چون ترکیب کاروان و خروجش از مدینه همگی بر عقلانیت استوار بود.

ایشان فقط مردان نظامی را همراه خود نبرد تا گفته نشود که امام حسین(ع) می رفت تا بجنگد و جنگ طلب بود، از زن، بچه ی شیرخوار تا پیرمرد 80 و 90 ساله به همراه خود برد و در مدینه نماند و رفت به مکه و چهارماه در مکه بود. روز هشتم ذی الحجه که مردم همه برای رفتن به عرفات آماده می شدند، امام مکه را به طرف کوفه ترک گفت و این مساله مطرح شد که چه خطری امام حسین(ع) را تهدید می کرد که حج به جای نیامورد و این حرکت تدبیری، بر پایه ی عقلانیت است.